

شماره

«چهارم»

غلامرضا اسدی مقدم

بیتروپ خراسان

شماره پنجم

علامه رضا اسدی مقدم

بشرویه خراسان

شناسنامه کتاب

نام کتاب: ستاره سحر
تألیف: غلامرضا اسدی مقدم
لیتوگرافی: بسا بک
چاپ: رامین
خدمات نشر: مؤسسه نبأ
نوبت و تاریخ چاپ: اول، تابستان ۱۳۷۸
تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

مراکز پخش:

خراسان - بشرویه ۰۲۵۰۰-۵۳۵۳۲۲
مشهد مقدس - بازار سرشور - کتابفروشی طالبیان شریف ۵۷۲۵۷
تهران - ناصرخسرو - انتشارات آینه ۳۹۲۰۸۲۲
«کلیه حقوق مخصوص مؤلف است»

شابک: ۹۶۴-۶۶۴۳-۱۹-۱

ISBN: 964-6643-19-1

فهرست مطالب

- ۲.....، اهمیت چهل حدیث
- ۳..... اهداء کتاب به سرهای بریده
- ۴-۵..... جریان شهادت امام زاده بزرگوار حضرت علی بن حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام در شیراز
- ۶..... حدیث ۱- اصحاب و یاران اولیة حضرت مهدی علیه السلام
- ۷..... حدیث ۲- اهمیت انتظار امام زمان علیه السلام
- ۸..... حدیث ۳- قسط و عدل حضرت صاحب الزمان علیه السلام
- ۹-۱۱..... حدیث ۴- بشارت امام باقر علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام
- ۱۲-۱۳..... حدیث ۵- نوروز در کلام امام صادق علیه السلام
- ۱۴-۱۵..... حدیث ۶- بشارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام
- ۱۶-۱۹..... حدیث ۷- عهدنامه یاران حضرت مهدی علیه السلام، مواد بیست و ششگانه
- ۲۰-۲۳..... حدیث ۸- اندوه امام صادق علیه السلام از دوران غیبت کبری امام زمان علیه السلام
- ۲۴-۲۶..... حدیث ۹- بشارت امام سجاد علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام
- ۲۷-۲۸..... حدیث ۱۰- ذکر دعای امام زمان علیه السلام در مسیر مسجد سهله
- ۲۹..... حدیث ۱۱- حدیث امام صادق علیه السلام در اهمیت دعای عهد
- ۳۰-۳۲..... * - متن دعای شریف عهد امام زمان علیه السلام
- ۳۳-۳۴..... حدیث ۱۲- بیان امام زمان علیه السلام در وصف جدشان حضرت امام حسین علیه السلام
- ۳۵-۳۷..... حدیث ۱۳- بشارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره امام زمان علیه السلام و رد اشکال
- ۳۸-۴۲..... حدیث ۱۴- تعیین وظایف امامان معصوم علیهم السلام از ناحیه حق تعالی
- ۴۳-۴۴..... حدیث ۱۵- خلقت چهارده معصوم علیهم السلام قبل از خلقت سایر خلایق بوده است
- ۴۵-۴۶..... حدیث ۱۶- انتقام شهادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام به وسیله امام زمان علیه السلام انجام می پذیرد
- ۴۷..... حدیث ۱۷- بیعت حق، فقط بیعت با اهل بیت علیهم السلام است
- ۴۸..... حدیث ۱۸- خاک قبر امام حسین علیه السلام باعث شفاء بیماران است

- حدیث ۱۹- اهمیت زیارت حضرت رضا علیه السلام در بشارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ۴۹
- حدیث ۲۰- اجتماع مردم بر محبت حضرت علی علیه السلام باعث عدم خلقت جهنم می شد ۵۰
- حدیث ۲۱- امیدواری بیشتر در مواضع ناامیدی ۵۱-۵۲
- حدیث ۲۲- تفسیر ناقوس در کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ۵۳-۵۵
- حدیث ۲۳- سوره های قرآنی که سب پیری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شده است ۵۶
- حدیث ۲۴- بهترین چیز برای زنان ۵۷
- حدیث ۲۵- تقوی الهی و ترک گناهان، بهترین مظهر یاد خداست ۵۸-۵۹
- حدیث ۲۶- نگاه به نامحرم، زناي چشم است ۶۰
- حدیث ۲۷- حیا و عفت و پاکدامنی در زنان بیشتر از مردان است ۶۱-۶۲
- حدیث ۲۸- استغفار و تسبیح خدا، باعث محو گناهان است ۶۳-۶۴
- حدیث ۲۹- فرصتهای پیش آمده را غنیمت بدانیم ۶۵
- حدیث ۳۰- گفتار فتنه انگیز باعث شرکت در جرم و گناه است ۶۶-۶۷
- حدیث ۳۱- شراب خواری و شطرنج بازی بزرگین معاویه (لعنة الله علیه) ۶۸-۷۰
- حدیث ۳۲- همه علوم صحیح، نزد اهل بیت علیهم السلام است ۷۱
- حدیث ۳۳- فقیهان، امینان پیامبران الهی علیهم السلام هستند ۷۲
- حدیث ۳۴- تقسیم بندی اوقات شبانه روز، در کلام حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ۷۳-۷۴
- حدیث ۳۵- میزان شناسائی حق، شناخت اهل واقعی آن است ۷۵-۷۶
- حدیث ۳۶- توحید و نبوت و ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مکمل یکدیگرند ۷۷-۷۸
- حدیث ۳۷- هر سختی، آسانی به دنبال دارد ۷۹
- حدیث ۳۸- زمین مرده با ظهور امام زمان حضرت مهدی علیه السلام زنده می شود ۸۰
- حدیث ۳۹- حدیث جام بلور احمر ۸۱-۸۴
- حدیث ۴۰- انکار سه مسئله مهم معراج، پیش در قبر و شفاعت، انکار ضروری دین است ۸۵

* * *



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمہ

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَفِظَ مِنْ شَيْعَتِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا
بَعَثَهُ اللَّهُ غَرَجًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَيَقِيهَا وَلَمْ يُعَذِّبْهُ

بحار الانوار ج ۲ ص ۱۵۳

حضرت صادق علیہ السلام می فرماید ہر کس از شیعیان ما چهل حدیث حفظ کند، خداوند
معال و زقیامت اور از فردی عالم و فقیہ محسور گرداند . والسلام علیکم ورحمۃ اللہ

نکارندہ : علامہ رضا اسدی مقدم
ساکن جنب خراسان - بشروہ

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

بجول اللہ و قوتہ کتاب حذرانیات لا حضرت علی عصرارواخافداه و عجل اللہ فرجہ تقدیم می نمایم

سرہای بریدہ ای کہ بعد از جدا شدن از بدن خروش بر آورد:

۱- سر حبیب بنجار مؤمن آل فرعون کہ بعد از قطع شدن از بدن فریاد زد (یا ایست قومی بعین)

ای کاش قوم من می دانستند کہ پس از شهادت چه مقامهایی برای مؤمن آماده است.

۲- سر خباب سحی ابن نکر یا کہ بعد از بریدن پادشاه خنساکار زناکار را نصیحت کرد.

۳- سر حفصہ طیار کہ فریاد زد و لا تحسبن الدین قتلوا فی سبیل اللہ اموالنا بل حسبنا عند ربکم برزقون

۴- سر طلحہ کرم کہ بلا کہ در موضع حدیثه قرآن تلاوت کرد و نیز در دیر مرد نصرانی تکلم کرد و بدین

مناسبت گوئیم:

سری تنگش یک شب تنور است شب دیگر سوی دیش عبور است

بخاک تر نهان کرده سلمان بیریگان آن مشکاة نور است

۵۔ سرعید ابن حبیروقی حجاج ابن یوسف ثقفی سرش ابرید فریاد زد لا اله الا الله

۶۔ سر خباب علی ابن حمزہ ابن موسی ابن جعفر عظیم السلام مدفون در شیراز

جریان شہادت امام زاده واجب التعمیم علی ابن حمزہ

وقتی بنی عباس لغنم الله تصیم گرفتند که سادات و ذاری حضرت زہرا سلام الله علیہا واقع وقوع

نمایند، اولاد موسی ابن جعفر متواری شدند و از ہمان بزرگواران است خباب علی ابن حمزہ کہ در سال

۲۲۰ ہجری باعدہ ای از سادات بہ شیراز وارد شدند و ارتس بہکاران پناہندہ بغاری شدند و برا

امرا معاش ہنرم جمع می کردند و در موقع مقتضی پستہ های ہنرم را بدرب اصطر فارس بردہ و می فرود

تا یک وزمین بزرگوار کہ وقت شہادتش رسیدہ بود پستہ ہنرمی بدخل شہری برد یک ملعونی

اورا ساخت فوری گزارش دادہ فرماندہ شان کہ مردی بود خصی آن ناکس با سوار های خود بان

مکان آمد و سوال کرد اسم شما چیست فرمود علی گفت نسب خود را ذکر کن فرمود پس خمره بن
 موسی ابن جعفر پس آن لعین از مرکب پیاده شد و سر آن مظلوم را از بدن جدا کرد و از آنجا گشت
 آن سید بزرگوار سر بریده خود را برداشت و حرکت کرد آمد بهمان مکانی که الان مدفن اوست
 بر پهلوی زمین افتاد مدت تا بهمان حال ماند و مردم می آمدند کنار آن بدن و آن سر و می شنیدند
 که آن سر بریده لا ینقطع خروش بر می آورد و می گوید لا اله الا الله

جهان روشن شود از روی مهد گلستان می شود از بوی مهد
 طنین بانگ لایبوتی کذب جمع بمشاق او کوی مهد

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْمَقْوُودُونَ عَنْ فُرْسِهِمْ ثَلَاثًا
 وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عَدَدُ أَهْلِ بَدْرِ قَبْضِينَ بِمَكَّةَ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
 (إِنَّمَا تَكُونُوا يَاتٍ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا) وَهُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

تعب الاثر صفحہ ۴۷۶

حضرت صادق علیہ السلام می فرماید گم شدگان از خانه ایشان ۳۱۳ نفر مردند بعد

اسل بدر (در جنگ بدر این پیغمبر فقط همین عدد بودند) پس صحابگان وارد مکه می شوند و

این است مصداق قول خدای تعالی بر جا باشید (ای اصحاب مهدی) خداوند شما را

می آورد (بکه) در حدیث دیگر فرمودند مثل باره های ابرخرانی در هوا بکرت می آیند و در کعبه بر زمین

خدا یا از غم بحران مهد
 پدید آید چه چشم من سید
 زوایست قیاس حال ما کن
 تو یوسف دیدی همدی ندید

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ :
 الْمُنْتَظَرُ لَأَمْرُنَا كَالْمُنْتَحِطِّ بِذِمَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

منتخب الآثار ص ۴۹۶

حضرت صادق آل محمد صلی الله علیه و آله، از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیه السلام
 نقل می فرماید که علی علیه السلام فرمود کسی که منتظر باشد برای ظهور قائم آل محمد مانند کسی است
 که در راه خدا در خون خود غوطه ور شده باشد. و جارتباط حدیث باربعی بالا این است که منتظرین
 ظهور حضرت مهدی ارواحاً فداه سرچند درختی و استلاء واقع شود و بحران حضرت سخت در آنان
 اقد اما سرانجام خوشی نصیب و بهره آنان میشود.

مدواحق رسد و ائم بلا یب
 حقیقت را در وفکر ت از یب
 یابند که عالم بر زجورات
 سیاهی مصالح من عالم ایب

قَالَ مَوْلَانَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَهَادِي الْأِمَامُ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي وَقَعْدَ
 الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَانِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ
 جَوْرًا وَظُلْمًا .

تغیب الاثر ص ۲۲۵

حضرت علی ابن محمد المهادی فرمود : امام بعد از من سپرم حسن است و بعد از حسن پسرش
 قانم (آل محمد) آن که پر سازد زمین را از داد و عدالت پس از آنکه پر شده باشد از بیدادگری
 و ستم .

خدا حق کند کی دولت آفتاب
 سپایان کی رسیدن جو زوایا
 شہ دین برت از غم براید
 چو مرغی سوی او ایم بہ پروا

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِي ذِكْرِ مَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ
 يَدْخُلُ الْكَوْفَةَ وَبِهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدْ اخْطَرَبَتْ فَصَعُغُوا لَهُ وَيَدْخُلُ
 حَتَّى يَأْتِيَ الْمُنْبَرِ فَيُخِطُّ فَلَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ فَإِذَا
 كَانَتْ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ سَأَلَ النَّاسُ أَنْ يُصَلِّيَ بِهِمُ الْجُمُعَةَ،
 فَيَأْمُرَانِ يُخِطُّ لَهُ مَسْجِدُ عَلَى الْغُرِيِّ وَيُصَلِّيَ بِهِمْ هُنَاكَ، ثُمَّ يَأْمُرُ
 مَنْ يَحْفَرُ مِنْ ظَهْرِ مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَهْلًا يَجْرِي
 إِلَى الْغُرِيِّ حَتَّى يَسْرُبَ الْمَاءُ فِي النَّجْفِ وَيَعْلُ عَلَى نُوْهَتِهِ الْقَنَازِ
 وَالْأَرْحَاءَ فَكَانَتْ بِالْعَجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا مِثْلُ فِيهِ بُرِّيَاتِي تَلِكُ

الْأَرْحَاءُ قَطَنَةُ بِلَاكِرَاءٍ

ارشاد مفید طبع مهرقم ۱۴۱۳ مؤثر عالمی هزاره شیخ مفید ص ۳۸

تَصْغُوَالَهُ أَيْ تَمِيلُ وَفِي هَامِشِهِ تَصْفُوَالَهُ

ترجمہ:

از حضرت باقر العلوم علیہ السلام در وصف حضرت مهدی ^ع نقل شده که فرمود: ولی عصر
ارواح خافه داخل کوفی شود و برپیم برافراشته میشود که آنها در امتزاز است و سرانجام
(اضطراب فروکش میکند) پس از ورود بکوفه برعرشه منبر برآید، و خطبه را آغاز نماید (خطبه جمعه) اُ
شدت گریه ملت نئی داند حضرت چه مگوید (مردم بآیدین رخا امام زمانان پیایی گریه
می کنند) در جمعه بعد مردم درخواست می کنند که نماز جمعه حضرت اقامه نماید فرمان میدهد
که در سرزمین نجف اشرف خطی بخشد و آن محوده را مسجد قرار دهند (ظاہراً منطقه وادی السلام)
و در آنجا نماز جمعه را پیامی دارد پس دستور میدهد که نهری را از کربلای معلی از پشت حرم مطهر

امام حسین (ع) خضر نمایند و به سرزمین مقدس نجف برسانند تا آب در نجف اشرف توفیر نماید
و بردمانه آن نهر چل را نصب کنند (و برای رفاه حال ملت آسیایابی بازند) حضرت
با قرع می نماید گویا می نیم سوزالی را که ز نیل گذم خود را روی سر نهاده می رود بسوی آسیا
و بدون مزد (مجاناً) آرد می نماید .

سیدستم ظهور آن دل افروز مطابق می شود با عید نوروز
خداوند مقتدر کن ظهورش سر آید خلق را این ساز و این سوز

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : يَوْمَ النَّبْرِ وَهُوَ الْيَوْمُ
الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ ، وَيُظْفِرُهُ
اللَّهُ تَعَالَى بِاللَّجَالِ ، فَيُصَلِّبُهُ عَلَى كِنَاةِ الْكُوفَةِ ، وَمَا
مِنْ يَوْمِ النَّبْرِ وَذِي الْأَوْحَانِ نَتَوَقَّعُ فِيهِ الْفَرَجَ لِأَنَّهُ مِنْ أَيَّامِنَا
حَفَظَتْهُ الْفُرْسُ وَصَبَّغَتْهُ .

بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۸

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: روز نوروز روزی است که قائم ما
آل محمد در آن روز ظاهر شود و نیروی امان ما و خداوند او را بر دجال پیروز گرداند

پس دجال در کف کوفه بردارند . و در هر نوروز ما (آل محمد) ،
انتظار فرج داریم چون نوروز از آیام ماست . پاریان آنرا (با احترام)
حفظ کردند ، و نماضایش کردید .

گل زکس کلی آورده پربار گلی خوشبو بیاباری از خا
 شود ز آن گل تمام صحه ارض فضل حق بدشکب جمله کلزا

قَالَ مَوْلَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَوْ قَدَّ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ
 قَطْرَهَا وَلاَخْرَجَتْ الأَرْضُ نَبَاتَهَا وَلَذَهَبَتْ السَّمَاءُ مِنْ قُلُوبِ العِبَادِ
 وَأَصْطَلَحَتْ السُّبَاعُ وَالبَهَائِمُ حَتَّى تَمْسِيَ المَرْءُ عَيْنَ العِرَاقِ إِلَى الشَّامِ
 لَأَنْصَعُ قَدْسِيهَا الأَعْلَى النَّبَاتِ وَعَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا لاَيُهَيِّجُهَا
 سَبْعٌ وَلا تَخَافُهُ: لَوْ تَعْلَمُونَ مَا لَكُمْ فِي مَقَامِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ وَصَبْرِكُمْ
 عَلَى مَا تَسْمَعُونَ مِنَ الأَذَى لَقَرَّتْ عَيْنُكُمْ

در خصال شیخ صدوق باب اربعه

علی مرتضی علیه السلام فرمود هر زمان قائم ما (آل محمد) قیام کند، بارانهای رحمت از

آسمان فروریزد و گیاهان از زمین بروید (منظور این است که در هیچ حالی خشکالی نباشد) و
کنیزه توری از قصبه خارج شود و درندگان تنه ضدام و چهارپایان نشوند (دو چنان
خیر و برکت و امنیت زمین را فرا گیرد) که اگر زنی از عراق بسوی شام حرکت کند قدم
نمگذارد و در مسیر خود مگر بر گل و گیاه و تیر و زندگان با و آسب نرساند و خائف نباشد آن زن
هر چند خود را بزرگ و زیور آراسته باشد. اگر بداند ای شیعیان با این صبر شما در میان دشمنان
و شکیبائی بر نشین گفتار ناسیجار آمان (در زمان ظهور چه مقامی خواهید داشت) چنین
روشن خواهد شد.

زیارنش ولی عصرین نماید اذ به ترک عصیان
گناهان کبیره یا صغیره نیارد و سزا بدسر فرمان

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ يَأْخُذُ الْبَيْعَةَ عَنْ أَصْحَابِهِ عَلَى أَنْ
لَا يَسْرِقُوا، وَلَا يَزْنُوا، وَلَا يَسْبُوا مُسْلِمًا، وَلَا يَقْتُلُوا مُحْرِمًا، وَلَا
يَهْتِكُوا حَرِيمًا مُحْرَمًا، وَلَا يَهْجُوا مَثَرًا، وَلَا يَضْرِبُوا أَحَدًا إِلَّا
بِالْحَقِّ، وَلَا يَكْتَرُوا ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا بُرًّا وَلَا شَعِيرًا، وَلَا
يَأْكُلُوا مَالَ الْيَتِيمِ، وَلَا يَهْدُوا بِمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَلَا يَخْرُبُوا
مَسْجِدًا، وَلَا يَشْرَبُوا مُسْكِرًا، وَلَا يَلْبَسُوا الْخُرَّ وَلَا الْحَرِيرَ، وَ
لَا يَمْنَطُوا بِالذَّهَبِ، وَلَا يَقْطَعُوا طَرِيقًا، وَلَا يَخْفُوا سَبِيلًا
وَلَا يَفْسُقُوا بَعْدًا، وَلَا يَحْبَسُوا طَعَامًا مِنْ بُرٍّ أَوْ شَعِيرٍ وَرِضْوَانٍ

بِالْقَلِيلِ، وَيُثَمُّونَ عَلَى الطَّيِّبِ، وَيَكْرَهُونَ النَّجَاسَةَ، وَ
 يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَيَلْبَسُونَ الْحُسْنَ مِنْ
 الثِّيَابِ، وَيَتَوَسَّدُونَ التُّرَابَ عَلَى الْخُدُودِ، وَيُجَاهِدُونَ
 فِي اللَّهِ حَتَّى جَهَادِهِ وَيَشْرِطُ عَلَى نَفْسِهِ لَهُمْ أَنْ يَمْشِيَ حَيْثُ
 يَمْشُونَ وَيَلْبَسُ كَمَا يَلْبَسُونَ، وَيُرَكِّبُ كَمَا يُرَكَّبُونَ، وَيَكُونُ مِنْ
 حَيْثُ يُرِيدُونَ، وَيَرْضَى بِالْقَلِيلِ، وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ بِعُوزِ اللَّهِ
 عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا، يَعْبُدُ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ وَلَا يَتَّخِذُ حَاجِبًا
 وَلَا بَوَابًا.

منتخب الاثر ص ٤٦٩

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمودند: حضرت علی عصاره و اخافه از
 باران خود پیمان می گیرد (که مرتکب خلافتی نشوند) دست بزدی نزنند، عمل منافی
 عفت انجام ندهند، دشنام به مسلمانی ندهند، شخص محرم را نکند، تنگ حرمت

حریمها نمایند (بدیهی است برای هر مکانی، مرزهای، قناتی، مرتعی، حریم مقرر شده
 که بدون اجازه صاحبان آن دخول و ورود به آن امکان جائز نیست تا چه رسد به مکانها
 مقدّس)، به منزل کسی هجوم نیاورند، احدی را بدون مجوز شرعی نزنند، طلا و نقره و حتی
 گندم و جو را ذخیره نکنند و گنج دست نزنند، مال یتیم را نخورند، و به امری که یقین
 ندارند شهادت ندهند، مسجدی را خراب نکنند و هیچ مکاری را نیاشامند، لباس نرم
 و لطیف مانند خز و حریر نپوشند و کمر بند زرین بر کمر نهند و سر راه بر مردم نگیرند مانند
 (قطاع الطريق) و راه را به خطر و خوف نیندازند و عمل پلید هم جنس بازی را ترک کنند و
 مواد غذایی (که مردم نیاز دارند) مانند گندم و جو احتکار نمایند، و به کم راضی باشند (جالب
 افزودنی نباشد) و بوی خوش استعمال نمایند و از نجاست و پلیدی دوری گیرند و امر معروف
 و نهی از منکر (که اساس همه خیرات است) را عملی نمایند و از لبا سهای دشت و خشن
 (که مردان جنگی استفاده می کنند) بکار نبرند (و در مواقع حاسس) چهره را بر خاک

بگذارند (دنیال باش و متکانباشند) و در راه خدا سخت کوشا باشند و جهاد را بحق و
 حقیقت اقامه نمایند. و حضرت مهدی^ع نیز شرایطی را عمده دار می شود که عمل کند (بهر
 سفری، جهادی مأمور شوند که حرکت کنند) او نیز با آنان حرکت کند و سربازی که
 پیشند او نیز پوشند، آنها لباس سربازی دارند، او نیز لباس سربازی پوشند
 (از لباس افسری و ارتشبدی استفاده نکند) و بر سر مرکبی که آنها سوار شوند او نیز
 بر مثل آن مرکب سوار شود و خط جدایی برای خود اتخاذ نکند بلکه همه بمانگ
 باشند، فرمانده کل قوا و سرباز صفریه کم رضی باشند (خوراک کم و مکان کوچک
 و...) و بیاری خدا زمین را پر از عدل و داد کند بعد از پر شدنش از ظلم و خدای
 تعالی را تسلیش نماید همان نحو که خدا خواسته، و محافظ، پاسدار و پاسبان برای
 خود اتخاذ نکند، و در بان ندارد.

غمم بی صدوا کتم خون ناست قدم الودلم بی صبر و ناست
زجر یوسف زهر اعزیزان دل یعقوب بر عالم کباب ناست

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيِّدِي غَيْبُكَ نَقَدْتَ رُقَادِي وَ
ضَيَّقْتَ عَلَيَّ مِهَادِي، وَابْتَزَّتَ مِنِّي رَاحَةَ فُؤَادِي، سَيِّدِي غَيْبُكَ
أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَفَقَدَ الْوَاحِدِ بَعْدَ الْوَاحِدِ يُفْتِي
الْجَمْعَ وَالْعَدَدَ، فَمَا أَحْسَ بِدَمْعَةٍ تَرُقِي مِنْ عَيْنِي وَأَنْبِي يُفْتَرُونَ
صَدْرِي عَنْ دَوَارِجِ الرِّزَايَا وَسَوَالِفِ الْبَلَايَا الْإِمْلَاءِ بِعَيْنِي عَنْ
غَوَابِرِ أَعْظَمِهَا وَأَقْطَعِهَا وَبَوَاقِي أَشَدِّهَا وَأَنْكَرِهَا وَنَوَائِبِ مَخْلُوطَةٍ
بِغَضَبِكَ وَتَوَازِلِ مَعْجُونَةٍ بِسَخَطِكَ قَالَ: فَزِرَا الصَّادِقِ عَلَيْهِ
زَفْرَةٌ أَنْفِخَ مِنْهَا جَوْفَهُ، وَاشْتَدَّ عَنْهَا خَوْفُهُ وَقَالَ وَيْلَكُمْ

نَظَرْتُ فِي كِتَابِ الْحَجْرِ صَبِيحَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَهُوَ الْكِتَابُ الْمُسْتَمَلُ
عَلَى عِلْمِ الْمُنَابَا وَالْبَلَايَا وَالرَّزَايَا وَعِلْمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى
يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي خَصَّ اللَّهُ بِهِ مُحَمَّدًا وَالْأُمَّةَ مِنْ عَلَيْهِمُ السَّكَاةُ
وَتَأَمَّلْتُ مِنْهُ مَوْلِدَ قَائِمِنَا وَغَيْبَتَهُ وَابْطَاؤَهُ وَطُولَ عُمُرِهِ وَبَلَاوِي
الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَتَوَلَّدَ الشُّكُوكُ فِي قُلُوبِهِمْ مِنْ طُولِ
غَيْبَتِهِ وَارْتِدَادَ أَكْثَرِهِمْ عَنْ دِينِهِمْ وَخَلَعِهِمْ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ
أَعْنَاقِهِمْ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ: «وَكَلَّ إِنْسَانُ الزَّمَانَ
طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ» - بِعِنَى الْوَلَايَةِ - فَأَخَذَتْنِي الرِّقَّةُ وَاسْتَوْلَتْ عَلَيَّ
الْآخِرَانُ .

احكام الدين صفحه ۳۵۳

روایت شده از سید بصیر فی کفایت من وفضل بن عمرو ابو بصیر و ابان بن تغلب

مولای خود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدیم و آن حضرت را دیدیم که بر روی
 خاک نشسته بود و مسح خیری در برداشت که آئین هایش کوتاه بود و از شدت اندوه و ناله
 مانند زنی بود که فرزند غریبش مرده باشد گریه می کرد و مانند لسوخته ای آثار حزن و محنت
 در چهره حق جویش ظاهر و مویز بود و اشک از دیده های حق جویش جاری بود و می گفت:
 ای سید من غیبت تو بهصیت مراد انمی کرد و محن تو ایب را بر من سپانی ساخت و آب
 دیده مرا جاری کرد و ناله و فغان و حزن را از سینه من بیرون آورد و بلاها را بر من متصل
 گردانید بدیدر گفتم: چون حضرت را به آن حالت مشاهده کردیم هفتلهای ما پر و از کرد
 و والد و حیران شدیم و دلهای ما از آن جزع نزدیک بود پاره شود و گمان کردیم که آن
 حضرت را بر داده اند یا آنکه بلیه عظیمی از بلاهای دهر بر او حادث شده است پس عرض کردیم
 که ای فرزند بهترین خلق خدا برگر چشم ترا گریبان بخردانند چه حادثه ای تو را گریبان نموده و چه
 حالتی روی داده است که چنین ماتی گرفته ای؟ پس حضرت از شدت غصه و گریه،

آه سوزناک از دل عثمانک بر کشید و فرمود: من در صبح این روز نظر در کتاب جعفر
 نمودم و آن کتابی است مثل بر علم سایا و بلایا و در آنجا مذکور است بلائی که بر
 ما میرسد و در آنجا علم گذشته و آینده تا روز قیامت است و خدا آن علم را مخصوص محمد
 و ائمه بعد از او گردانیده است و نگاه کردم در آنجا ولادت حضرت صاحب الامر
 و غیبت آن حضرت و طول غیبت و درازی عمر او را و ابتدای مؤمنان را در زمان
 غیبت و بسیار شدن شک و شبهه در دل مردم از جهت طول غیبت او و مردن
 اکثر مردم در دین خود و بیرون کردن ریمان اسلام را از گردن خود که حق تعالی
 در گردن بندگان خود قرار داده است، پس رقت مرادست داده است و سخن بر
 من غالب شده است.

گفتا تخت عالم زین عبا جهان مظهر شطن سلم وید
ولی صاحب جو کرد و آشکارا دید این کف و کینه بر باد

قال علي بن الحسين لا يبي خالد الكابلي يا ابا خالد لياتين فتن قطع
الليل المظلم لا ينجز الا من اخذ الله ميثاقه اولئك مصابيح الهدى و
يتابع العلم نعيم الله من كل فتنه مظلمة كاني بصاحبكم قد علا
فوق جنمكم بظهور كوفان في ثلاثمائة وبضع عشر رجلا جبرئيل عن يمينه
وميكائيل عن شماله واسرافيل امامه معه راية رسول الله قد نشرها
لا يهوى بها قوم الا اهلكهم الله عز وجل

نفسه البحاج ۲ ص ۲۰۲

فرمود حضرت سجاد سلام الله عليه الي حسالد کابلی ای ابا خالد قطعاً و خبر ما قدها (دانشوها) فی

مانند شب تاریک در پیش است نجات نمی یابد از آن فتنه؛ مگر کسی که با خدای پیمان (ایمان) بسته باشد (یعنی متعهد باشد که فقط امر دین را عمل کند) ایشانند چراغهای هدایت و چشم علم دانش خدای تعالی ایشان را از سرفقه تاریکی نجات می دهد؛ گویا می بینم صاحب تان اذاتم آل محمد که در ارتفاعات نجف اشرف که در پشت کوفه واقع شده با ۳۱۳ نفر قیام کرده جبرئیل در سمت است حضرت میکائیل در سمت چپ و اسرافیل پیش حضرت حرکت می کند پرچم رسول خدا با تراز در آورده سرفروای بخوابد با او برستند خدای عزوجل آنان را ابدان کند.

۱- آن پرچم را جبرئیل در جنگ بدر از پشت آورد چوب آن از درختهای بهشت پارچه آن از برگهای درختان بهشت پیغمبر در خانه بدر به علی عطا کرد فرمود در سر چنگی که این علم برافراشته شود مخالفین علم محکوم بکشتند علی فقط در جنگ جمل باز کرد و آن را بست فرمود این علم دیگر بازمی شود مگر بردست فرزندم مهدی. اما علمی که در صحای کربلا در دست علمدار حسین قرار داشت غیر این علم بوده است زیرا آن علم را حضرت حسین با سایر مراریت انبیاء مانند عصای موسی و خاتم سلیمان در صندوقی گذاشت و نزد اتم سلمه امانت سپرد که وقتی حضرت سجاد از کربلا مراجعت نماید تحویل آن

حضرت بید و تحویل داد علم حضرت عباس (ابا بایر اشیا غارت شده بدست زید قادی و قی نباشد انما
 بحضرت سجاد متروک دارد، دانه دانه برمی داشت و رد می کرد مثلاً پارچه ای بدست آن ناکس میرید می گفت
 این صیت می گفتند عامه حضرت قاسم است پارچه دیگر - این صیت - قبا علی اکبر است - پارچه دیگر این
 صیت - پیر امین عبداللہ بن الحسن - پارچه دیگر این صیت - پیر امین کهنه مظلوم کربلاست - ناگاہ پارچه
 سوراخ سوراخ بدش افتاد - این صیت - پارچه علم حضرت عباس - زید قسی القلب توانست طاقت
 آورد از جا بلند شد و فریاد زد آه تیرا که علم را با این صورت در آورده اند با صاحب علم چه کرده اند
 السلام علیک یا ابا الفضل العباس (آنچه داخل پرانتز است منقول است از کتاب
 حدیقه الاحباب چاپ نجف که مؤید به تقریر مرحوم آیت العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی
 میباشد.

علی گوید که مهدی استجلی همی سینم بر اندامی محجل
 بسبب ذکر خدای حق سبحان روان در سهد بر اسی محجل

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صِفَةِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
 فَرَجَهُ الشَّرِيفَ كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ عَبَّرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسْجِدِ السَّمَلَةِ
 عَلَى فَرَسٍ عَجَلٍ لَهُ شِمْرَاخٌ يَزُومُو وَيَدْعُو وَيَقُولُ فِي دَعَائِهِ: لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا (صِدْقًا)
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَبْدًا وَرِقًّا

مختب الاثر - جلوه خورشید ص ۳۳

ترجمہ: امیر مومنان علی (ع) در وصف حضرت مهدی عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف

می فرماید: گویا می نیمم فرزندم مهدی را که از وادی السلام مسجد سلمی رود بر اسی

کوه پیکر با جمله وصفاتی خاص سوار است، ز منزه بر لب دار و گوید لا اله الا الله ...

دعای عهد، عهد عاشقان است
 رجا، وثق و سرنهان است
 پیایی خواندن آن تا هیل روز
 امید رویت صاحب زمان است

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ
 أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ
 أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ، وَأَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ
 أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَهُوَ هَذَا

بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۹۵

حضرت صادق علیه السلام می فرماید هر کس سبوحی را آورد و چهل صباح این عهد را بخواند
 یا در آن قائم ما خواهد بود پس اگر بمیرد (قبل از ظهور) خدای تعالی او را از قبر برانگیزاند و هر کلمه ای سزا
 حسنه او عطا کند و هزار گناه (از نامرغش) کاشد و بدو دعا این است :

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكَرْبِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْجَبْرِ الْمَسْجُورِ
 مَنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحُرُورِ وَمَنْزِلَ الْقُرْآنِ
 الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِوَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اشْرَفَتْ
 بِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ
 يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا حَيُّ الْمَوْتَى وَ
 مَيِّتِ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْأِمَامَ الْهَادِيَ
 الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَحْسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ
 عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا
 وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَتِي مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ
 اللَّهِ وَمِدَادِ كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اللَّهُمَّ

إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا
 وَبَيْعَةً لَهُ فِي غُنْفِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ
 أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ
 وَالْمُتَّكِلِينَ لِوَأَمْرِهِ وَالْحَامِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْفِينَ
 بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنِّ حَالِ بَيْتِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ
 حَمًّا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتِرًا كَفْتِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا أَقَاتِي
 مُلْتَبِيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الشَّرِيفَةَ
 وَالغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَالْحُلَّ نَاطِرِي بِنُظْرَةٍ مِنْ يَدِي وَعَجَلِ فَرْجَهُ وَسَهِّلِ
 مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مِنْهُجَهُ وَأَسْأَلُكَ بِحُجَّتِهِ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَأَشْدُدْ
 أَرْزُهُ وَأَعْمِرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ
 الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبِرِّ وَالْبُخْرُ مَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَاطْهَرِ اللَّهُمَّ

شب عاشور یعنی شام حبران . شب ازو نیاز با حتی سُبحان
 سخوان الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ . سخوان الامرُون ایدل قرآن

قَالَ مَوْلَانَا الْمَهْدِيُّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ فِي وَصْفِ جَدِّهِ
 الْمَظْلُومِ كَانَ لِلْقُرْآنِ سَنَدًا وَ لِلْأُمَّةِ عَضُدًا وَ فِي الطَّاعَةِ
 جُهْدًا حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ نَاكِبًا عَنِ سَبِيلِ الْفُسَاقِ
 بَاذِلًا لِلْجُهْدِ طَوِيلِ الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ نَازِلًا فِي الدُّنْيَا
 زُهْدًا الرَّاحِلِ عَنْهَا نَاظِرًا إِلَيْهَا بَعِينًا مُسْتَوْجِبًا مِنْهَا

نفس المهموم ص ۱۴۱

حضرت مهدی رو خافواه و عجل الله فرجه در وصف جدش حسین علیه السلام می فرماید:
 حسین سند و اعتبار قرآن است . حسین بازوی توانای امت (جدم پیامبر اسلام)

است آن بزرگوار در راه طاعت پروردگار در حد اعلای کوشش و تلاش و بگذراننده پیمان
 و عهد است (که آغاز آن عالم ذر و پایش تکام عروج روح بلند پرواز آن سرای
 ملکوت اعلی در دشت خنجر کربلا و ساعت مانده بغروب آفتاب در عاشورا) جدم حسین
 روگردان از طریق فائقان و تا حد قدرت از تعب و سختی بی پروا و جان فدای در راه حق
 آن بزرگوار رکوع و سجود طولانی داشت و بدینا (و حکومت دنیا) اعتیابی نداشت و در
 هر حال خود را همیای سفاخرت و کوچ کردن از عالم فنا به عالم بقا به حساب می آورد. بدینا
 نظر میکرد و اما سخت از دنیا در وحشت و هراس نظرش برای عبرت بود و بس.
 مصداق کلام پر نور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در وصف جدش حسین بحکم الذین
 نینصرف عن الاطلاق الی الفرد الیکل گویا شب پر شور عاشورا است که گفته اند ولهم
 دوی کدوی نخل مابین راع و قائم و ساجد.

پرا ظلم و ستم روی زمین است
 پس از طرف ظالمی زمین است
 ظهور حق کما حق شته برود؛
 که ظن المعنی معنی یقین است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي وَجِهَةٌ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ اللَّوْنُ
 لَوْنُ عَرَبِيٍّ وَالْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيلَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدَلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا
 يَرْضَى لِمَخْلَافَتِهِ أَهْلَ السَّمَاءِ وَأَهْلَ الْأَرْضِ وَالطَّيْرُ فِي الْجَوِّ مَمْلُوكٌ

عِشْرِينَ سَنَةً

مغرب الاثر ص ۱۸۵

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از اولاد من است. چهره او مانند ستاره درخنده

فروزان است؛ رنگ او رنگ عربی و جسم او جسم اسرائیلی است. پرچی کند زمین از داد و عدالت

پس از آنکه از بیداری پر شده باشد. از خلافت او اهل آسمان و زمین راضی هستند. و حکومت امام زمان

عدم ضایعیت وجود ندارد حتی پرنندگان هوا راضی هستند. حاکم و مالک زمین است بیست سال.

رد اشکال

بعضی نویسندگان عصر حاضر بدون دقت در فهم حدیث مبارک بر دو آن نموده اند؛
در حدیث ذکر شده پیغمبر گرامی اسلام صلی اللہ علیہ وآلہ فرزندش مهدی عجل اللہ فرجہ را
توصیف می فرماید که رنگ چهره او عربی و جسم او جسم اسرائیلی است. نویسنده ای
که خواسته حدیث ابا ذنیب را خودش با عصر حاضر تطبیق کند بخت پادشاه افتاد
و خیال کرده پیغمبر امام زمان ابا اسرائیل زبان ماسخیده غافل از اینکه در شبیه تشبیه باید
مشخص باشد باین معنی که در زمان تشبیه وجود خارجی داشته باشد یا اگر زمان تشبیه
متقصر باشد در اذهان و در تاریخ مشخص باشد. پیامبر گرامی اسلام حضرت از نظر قدرت و
توان جسی تشبیه کرده با اسرائیلی که قرآن او را توصیف کرده نمونه اش طاقت است که در
وصف او خداوند تعالی فرموده **وَزَادَهُ بِنُطَةِ فِي الْعِلْمِ وَالْجَمِّ جَبَانِ**
این است که بنی اسرائیل بعد از حضرت موسی علیہ السلام از پیغمبرشان خواستند که پادشاهی

برای آنها تقسیم کند تا باد شمنان خدا بچکند، وقتی پیغمبر آنها طالوت را که از بنی اسرائیل است
معرفی کرد قوم او گفتند او فقیر است خداوند می فرماید او فردی است که از نظر جسم و
قدرت توانائی دارد لذا پیغمبر امام زمان را از نظر جسم تشبیه کرده بطالوت و
امثال طالوت. آیات ۲۴۶ تا ۲۴۸ سوره بقره ملاحظه فرمائید.

زیردان نامرآید کبیرا ده و دو مهب سبوی بدید
 بهر مهبی و طیفه سبوی معین بذخلاق محبت

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيَّهُ كِتَابًا
 قَبْلَ وَفَاتِهِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ وَصِيَّتُكَ إِلَى النَّجْبَةِ مِنْ أَهْلِكَ قَالَ
 وَمَا النَّجْبَةُ يَا حَبِيبُ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَوَلَدُهُ وَكَانَ عَلَى الْكِبَرِ
 خَاتِمٌ مِنْ ذَهَبٍ فَدَفَعَهُ النَّبِيُّ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ خَاتِمًا وَعَلِيٌّ بِمَا
 فِيهِ ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَى ابْنِهِ الْحُسَيْنِ فَقَالَ خَاتِمًا وَعَلِيٌّ بِمَا فِيهِ ثُمَّ دَفَعَهُ
 إِلَى الْحُسَيْنِ فَقَالَ خَاتِمًا فَوَجَدَ فِيهِ أَنْ أُخْرَجَ يَقُومُ إِلَى الشَّهَادَةِ
 فَلَا شَهَادَةَ لَهُمْ إِلَّا مَعَكَ وَاشْتَرَقْتُكَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَعَلْتُ
 دَفَعَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فَقَالَ خَاتِمًا فَوَجَدَ فِيهِ أَنْ أُطْرَقَ وَ

اصْبَتْ وَالزَّمُّ مِثْلُكَ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ فَفَعَلَ ثُمَّ
 دَفَعَ إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ فَفَكَ خَائِفًا فَوَجَدَ فِيهِ حَدِيثُ
 النَّاسِ وَأَفْتَهُمْ وَلَا تَخَافَنَّ إِلَّا اللَّهَ غَرَّوَجَلٌ فَإِنَّهُ لَا سَبِيلَ لِأَخِي
 عَلَيْكَ ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَى ابْنِهِ جَعْفَرٍ فَفَكَ خَائِفًا فَوَجَدَ فِيهِ حَدِيثُ
 النَّاسِ وَأَفْتَهُمْ وَأَنْشُرَ عُلُومَ أَهْلِ بَيْتِكَ وَصَدِّقُ آبَائِكَ الصَّالِحِينَ
 وَلَا تَخَافَنَّ إِلَّا اللَّهَ غَرَّوَجَلٌ وَأَنْتَ فِي حِرْزِ وَأَمَانٍ أَبَدًا فَعَلَّ
 ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَى ابْنِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَذَلِكَ يَدْفَعُهُ مُوسَى
 إِلَى الَّذِي بَعْدَهُ ثُمَّ كَذَلِكَ إِلَى قِيَامِ الْمُهْدِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ فُرْجَهُ

اصول کافی صلی طبع ۱۳۱۱ قمری صفحه ۱۴۰

حضرت صادق میفرماید خدای تعالی قبل از درگذشت پیامبر بزرگوارش نامهای برای
 او فرستاد و فرمود یا محمد این است وصیت نامه تو برای نخبه های دودمانت فرمود

نخب با کتدای جریل عرض کرد علی ابن ابیطالب فرزند ان و (الله اظهار علیهم السلام)
 و آن نامه (آسمانی) دارای ۱۲ مهر بود از طلا (مانند دقرا و نامه های طلبدار) پس آن
 نامه را تحویل داد به امیرالمؤمنین و دستور داد یک نامه از آن مهر را بکشاید و آنچه در آن نامه درج
 است عمل کند. پس یکی از آنها را باز کرد و عمل کرد آنچه در آن نامه نوشته بود. بعد از حلت پیامبر
 پس تحویل امام حسن فرزند بزرگوارش داد. امام حسن نیز مهری را گشود و طبق آنچه در نامه بود عمل کرد
 و پس تحویل امام حسین علیه السلام داد پس مهری را که مربوط با او بود گشود پس در آن نامه نوشته بود
 سبوی شهادت حرکت کن و گردوی را که باید در راه حق شهید شوند با خود سیر زیر شهادت آنان
 در غیر طریق تو مقدر نیست (یعنی ؛

دقری که بنام شهادت کند نام بقاد و دوتن زینت دقرا کرد

و خود را در راه خدای عزوجل فدانا (اشاره به مقامات عالم آخرت از شفاعت و بهشت و
 نعمت های باقیه عالم دیگر است) پس وظیفه خود را انجام داد و نامه را داد به پسرش علی ابن ابی
 الحسن

پس نامه را گشود پس در آنجا مشاهده فرمود که نوشته است که (مظلومان) در خانه نشین و سکوت
 را اختیار نما و عبادت خدای متعال رو آور تا مقام اعلای یقین بر آن حق یقین است
 درک نمائی پس حضرت سجاد و طفیفه خود را انجام داد پس نامه را به فرزندش محمد بن علی
 تحویل داد حضرت باقر علیه السلام خود را گشود پس در آنجا نوشته بود برای مردم اخبار و احادیث
 نقل کن (در موردین نظریه و قوا نقل کن و متشرکن علوم آل محمد را) و از غیر خدای
 متعال هیچ گونه نبی و برای نداشته باش بحیث اینکه هیچ کس قدرت ندارد بر تو قسم و او دارد پس
 نامه را به فرزندش امام صادق علیه السلام داد پس همی را باز کرد در آنجا درج شده بود احادیث و اخبار
 را بر مردم برسان و در موردین قوی صادر کن و متشر ساز علوم اهل بیت خود را و گفته بدان پاک
 خود را تصدیق کن و از احدی بیم و براس نداشته باش زیرا تو در امان هستی و محفوظ و محروس
 برای همیشه پس امام صادق علیه السلام و طفیفه خود را انجام داد و نامه را به فرزندش موسی بن جعفر
 تسلیم کرد و همین منوال امامی به امام بعد از خود تسلیم نمود تا نوبت رسید بحضرت مهدی (قائم)

آل محمد که حضرت الان طبع آن بنا عمل میکنند تا روز قیام و ظهورش اللهم عمل فرجه
 این حدیث معتبر که در مهم ترین مسند شیعه از حضرت صادق آل محمد نقل شده حدیث سرزشت
 سازی است و برای هر فرد شیعه لازم است که بخواند و به معانی آن پی ببرد و اهل خود را (زن
 و فرزند و قبیله و شیره خود را آگاه کند که امام شناس شوند و برای امامان پاک با سلیقه کج و
 ناقص خود وظیفه معین بکنند که چرا امام حسن با معاویه صلح کرد چرا امام رضا دلائل تهمدی را
 پذیرفت بدانند که امامان فرمان خدای تعالی را عمل میکنند و دستور من نادان نه خواسته
 من احمق فاعلموا یا اولی الابصار.

شیدتم حدیثی رازانیا حدیثی سرسبز انوار و اسرار
که خلق چهارده نور مقدس سبق را برده از اجسام و انوار

قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ أَرْبَعَةَ
عَشَرَ نُورًا قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ فَهِيَ أَرْوَاحُنَا ،
فَقِيلَ لَهُ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنِ الْأَرْبَعَةُ عَشَرَ فَقَالَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَ
فَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْإِمَامَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ أَحْرَمُ الْقَائِمُ
الَّذِي يَقُومُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ يَقْتُلُ الدَّجَالَ وَيُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ
جَوْرٍ وَظُلْمٍ

منتخب الاثر ۴۸۰

یعنی فرمود حضرت صادق آل محمد ع حقاً خدای تعالی چهارده نور قبل از آفرینش خلایق

آفرید چهارده هزار سال جلوتر آنها انوار ما بستند. راوی عرض کرد یا بن رسول الله که بستند
آن انوار چهارده گانه فرمود: محمد، علی، فاطمه، الحسن و حسین و الله اعلم ارازل امام حسین
که آخرین آنان قائم است آن قائمی که قیام می کند بعد از غائب بودنش پس می کشد
و جبال را و عرصه زمین را پاک میکند از هر جور و هر قسمتی.

بعا شور چو ره از مرکب افوا ملائک سکووه ها کردند و فریاد
 فقال الله تروا یا ملائک بقائم کرم ارا سکران داو

عَنِ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَأَلْتُ الْبَاقِرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَلَسْتُمْ كُلُّكُمْ قَائِمِينَ بِالْحَقِّ قَالَ بَلَى قُلْتُ
 فَلِمَ سَمِي الْقَائِمُ قَائِمًا قَالَ لِمَا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ خَضَّتِ الْمَلَائِكَةُ
 إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْبُكَاءِ وَالنَّحْبِ وَقَالُوا أَلَهُنَا وَسِيدَنَا اتَّعَفَلُ
 عَمَّن قَتَلَ صَفْوَتَكَ وَابْنَ صَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ وَابْنَ خَيْرَتِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ
 عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ قُرْأَمَلًا تُكْتَبُ فَوْعَرَّتِي وَجَلَالِي لَا تَقْتُلُنَّ مِنْهُمْ وَلَوْ بَعْدَ
 حِينٍ ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 لِلْمَلَائِكَةِ بِذَلِكَ فَذَا أَحَدُهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ

القائم انعم منهم

سجرات الانوار جلد ۵۱ ص ۲۸

ابو حمزه ثمالی می گوید خدمت امام باقر عرض کردم یا بن رسول الله آیا شما ائمه طاهرين عمه تان
قائم بر حق نسيدي فرمود چرا عرض کردم چرا (لفظاً) قائم اختصاص پیدا کرده بقائم (آل محمد)
فرمود وقتی جدم حسين را شهيد کردند ملائکه بخروش آمدند و گفتند خدای ما آیا بهترین خلق سپر
بهترین خلق شهيد میشود (و خون وی بدلی می شود) فرمود خدای تعالی ملائکه من سر جای خود مستقر شوند
قسم به عزت و جلالم از این (سنگران) انتقام خواهم گرفت ولو بعد از گذشت زمانها باشد.
پس ساری ملائکه از ملکوت اعلا) پرده برداشت ؛ تا امامان از نسل حسين را زیارت
کنند ملائکه سرور شدند از این جریان ناگه دیدن یک تن از آن انوار مقدس ایستاده و نماز
می خواند. حسد او نذر فرمود بان (قائم) یعنی ایستاده انتقام خواهم گرفت از ایشان.

اطيعوا الله بما روي
 دليل غير ان الله عيسى است
 يابست نما با ال عمت
 كه اين بيت توتراي قال و قيل است

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:
 «يَا مُفَضَّلُ كُلُّ بَيْعَةٍ قَبْلَ ظُهُورِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَيْعَةٌ
 كُفْرٍ وَنِفَاقٍ وَخَدِيعَةٍ لَعَنَ اللَّهُ الْمُبَايِعَ بِهَا وَالْمُبَايِعَ لَهُ.»

مکیال المکارم ص ۴۶۴

امام صادق ع: بفضل بن عمر فرمود: «ای مفضل هر بیعی پیش از ظهور امام عصر ع
 یعی است نشأت گرفته از کفر و نفاق و نیرنگ؛ خدای بیعت کننده و
 بیعت گیرنده را لعنت کند.»

زخاک کربلا بوی گل آید ز گلزارش نوای میل آید
 کنار عقیقه مسیحه علمدار چو شاه دین سوار و دلدار آید

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 فِيهِ شِفَاءٌ وَإِنْ أُخِذَ عَلَى سَرَّاسٍ مِيلٍ

بجاری الانوار جلد ۱۰۱ ص ۱۲۴

فرمود حضرت صادق علیه السلام خاک قبر حسین علیه السلام شفاء (از سردرد و
 رنجی است) و اگر چه از دور بفاصله یک میل (دو کیلومتر) برداشته شود.

علی مرتضیٰ آن شاہ مردان چنین فرمود در شان خراسان
 بزودی می شود اگر دوش سرخ گلی از نسل من خاک پہا

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَيَقْتُلُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ
 بِالسَّمِ ظُلْمًا، اسْمُهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ بَنِي عِمْرَانَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ.
 الْإِنَّمَنْ زَارَهُ فِي غُرْبَةٍ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ وَمَا تَأَخَّرَ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ
 عَدَدِ النُّجُومِ وَقَطْرِ الْأَمْطَارِ وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ

جامع الاخبار - ص ۳۴ - چاپ قدیم تیریز

علی عید السلام فرمود: بزودی مردی از فرزندانم در زمین خراسان بزور خفاشته می شود. او
 بنام من و دوش بنام موسی بن عمران، هر که او را در غربت یارت کند خداوند گناهان
 گذشته و آینده او را هر چند زیاد باشد می آمرزد.

بجبت مرتضیٰ آن شاه مردان امام المتقین محبوب یزدان
اگر بودند ملت با وفادار منی فرمود ایرد خلق سیران

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ
عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ

بخارج ۳۹ ص ۲۴۹

فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم : اگر مردم بر ولایت و محبت علی علیه السلام
اجتماع می کردند (و در مقابل غدیر خم و نصب خلیفه از طرف خدا مخالفت نمی کردند) خدای
تعالی جهنمی نمی آفرید .

توام عالم ہستی امید است چہ امید می کہ عالم را نوید است

امید ما نباشد غیر محمد امام عصر ماحق جدید است

منظر از حق جدید، اشارہ بہ زیارت حضرت صاحب الامر است کہ در آن آمدہ است:

«السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ...» مفاتیح الجنان ص ۹۷۳

حدیث در بارہ امیدواری

قَالَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كُنْ لِمَا لَمْ يَجْرُ

أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ خَرَجَ يَقْتَسِمُ لِأَهْلِهِ نَارًا

فَكَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَرَجَعَ نَبِيًّا وَخَرَجَتْ مَلِكَةٌ سَبَا فَاسْتَلَتْ مَعَ

سُلَيْمَانَ وَخَرَجَ سَحْرَةَ فِرْعَوْنَ يَطْلُبُونَ الْعِزَّةَ لِيَفْرَعُونَ فَرَجَعُوا

مُؤْمِنِينَ.» صفحہ ۱۰۲، اثنی عشریہ تألیف محمد بن محمد بن الحسن مشہور بہ ابن قاسم

نورہ مادری شہید ثانی

فرمود امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (در مقام امیدواری) از جانی که بیج
 امیدواری بیشتر امیدوار باش تا جانی که امیدواری (پس علی ع) سه مورد از جانی
 که امیدواران امید داشتند و امیدوار شدند ذکر می کند

۱- موسی بن عمران (در آن شب تاریک و در آن بیابان مخوف که همسر حامله اش کمزور
 وضع حملش و نیاز به آتش داشت از راه دور آتشی مشاهده کرد به امید آوردن آتش به
 آن سمت بسیار شد خدای تعالی با او تکلم کرد و او را به پیغمبری معوض نمود و در حالی که
 پیغمبر خدا بود به سوی ایش برگشت موسی هیچ امیدی نداشت که در آن شب چنین مو
 تقعر شود.

۲- ملکه سبا (بلیس) برای مقابله با سلیمان خارج شد و سلیمان برگشت او هیچ امیدوار نبود که عاقبت
 ۳- ساحران بار فرعون بمعمر که آمدند برای سپه دومی عزت اربابشان فرعون و همه
 سلمان برگشتند. (آنها هیچ امیدی به سلمان شدن نداشتند.

زبانِ زمان می‌باش مایوس مخور برضایعات و ہر افسوس
 یاشنو کلام مرتضیٰ را زوضع و ہزار تفسیر مافوس

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَفْسِيرِ صَوْتِ النَّاقُوسِ لَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ حَقًّا حَقًّا صِدْقًا صِدْقًا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَشَغَلَتْْنَا
 وَاسْتَهْوَتْْنَا وَاسْتَعْوَتْْنَا يَا بِنَ الدُّنْيَا مَهْلًا مَهْلًا يَا بِنَ الدُّنْيَا
 دَقًّا دَقًّا يَا بِنَ الدُّنْيَا جَمًّا جَمًّا قُنِّي الدُّنْيَا قَرْنَا قَرْنَا مَا مِنْ يَوْمٍ
 يَمْضِي عِنَّا إِلَّا أَوْهَى مَنَارِكُنَا قَدْ ضَيَعْنَا دَارَ بَنِي وَاسْتَوَطْنَا
 دَارَ تَقِي لَسْنَا نَدْرِي مَا فَرَطْنَا فِيهَا إِلَّا لَوْ قَدِمْنَا.

بحار الانوار، چاپ جدید، جلد ۱۴، ص ۳۳۴

حارث اعوری گوید بامولایم امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیہ السلام و حیرہ سیر

می کردیم ناگاه مشاهده کردیم یک نفر نصرانی ناقوس میوزد (با آنگ خاصه) بولاً
 علی فرمود ای حارث آیا میدانی این ناقوس چیست می گوید؛ عرض کردم خدا و رسول خدا
 پسر عم رسول الله می اند. فرمود داستان دنیا و نابودی دنیا را حکایت می کند و می گوید
 لا اله الا الله حقا یعنی نیست معبود بر حقی جز ذات پاک الله از روی حق و حقیقت
 و از طریق صدق و اقیقت سرآینه دنیا ما را مغرور کرده و بخود مشغول ساخته و بسوی برادرس
 کشانده و بگمراهی انداخته است! ای طالب دنیا آتیه هسته (حرکت کن) ای طالب دنیا
 (دنیا) در هم می کوبد! ای طالب دنیا (تاکی) جمع می کنی بر قرنی بعدت را
 نابودی سازد (و بیدار عدم می فرستد) هر روزی که بر ما بگذرد (دنیا) ارکان ما را است
 می کند. (افسوس) که مثل آخرت که در پیشگی است ضایع کردیم و در سرای فانی ماوی
 گرفتیم؛ نمی دانیم چه ضایعات بوجود آوردیم مگر آنچه بر ما پیشی گرفته.

حارث عرض کرد یا امیر المؤمنین، نصاری این تفسیر از ناقوس میدانند؟ فرمود اگر

می استند حضرت مسیح را بخدای اتخاذه می کردند. حارث گوید (روز بعد) نزد نصرا
 رفتم و گفتم تو را به حق حضرت عیسیٰ کنناوتس ایه اینک و گذشته بنواز شروع به
 نواختن کرد من هم شروع کردم به خواندن همان اینک لا اله الا الله حقا تا پایان
 کلام نصرانی گفتم تو را بحق پیامبران تو را به این تفسیر که آگاه کردی؟ گفتم آن شخصیت
 بزرگواری که دیروز با من همراه بود گفت آیا من بنمیر و او نبی هست؟ گفتم آری
 او پسر عم رسول است گفت بحق بنمیران آیا این تفسیر از بنمیر شنیده؟ گفتم آری؛
 فوری سلام را پذیرفت پس گفت و الله در تورا خوانده ام که احسن بنمیر اینک
 ناوتس تفسیر می کند.

گناہانم حیاں رایات است ما خوف از بنا، و مرسلات است
اگر چه حرم و عصیان است ایدم سورہ و العادیات است

قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ: أَسْرَعَ إِلَيْكَ الشَّيْبُ
قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَيْبَتِي هُوَ وَالْوَأَقِعَةُ وَ
الْمُرْسَلَاتُ وَعَمَّ يَسْأَلُونَ.

بخار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۲

ترجمہ: مردی بہ پیامبر خدا عرض کرد کہ چرود پیرش دہ آیا، آنحضرت فرمود:
سورہی ہوں، واقعہ، مرسلات و عم یسألون مرا پیر کرد۔ اما ذکر سورہ ہوں
بیل ایہ شریفہ ۱۱۲ (فانستم کما امرت یعنی پدیدار باش) جاوہ حق ہما گونہ کہ نامور
دارمی و عہد و اعمال استوار باشی) و نیز ذکر سورہی واقعہ مرسلات و عم بیل آیت عذاب این سورہ است

پیر گفت یک روزی بہر
چہ باشد بہترین حالات زہا
بہت بہترین حال زن این است
نیز مرد را نے مرد او را

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِفَاطِمَةَ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا
أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ قَالَتْ أَنْ لَا تَزِيَّ رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ

بخار الانوار جلد ۳۳ صفحہ ۸۴

پیامبر گرامی اسلام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بہتر بزرگوارش (حضرت زہرا علیہا السلام

فرمود خیر زن در چہ امری است عرض کرد (خیر زن در این است) کہ نہ مردی را بیند

و نہ مردی اورا بیند (در بیچ حالی مواجہ با آہستی نشود)

نباشد ذکر حق تسبیح و تحمید
 نه تهنیت و نه بکتبیر و نه تحمید
 بلی چون با کف گشتی موبّا
 خدایا یا دکن باید و تشبیه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 حِينَ أَوْصَاهُ يَا عَلِيُّ لَيْسَ ذِكْرُ اللَّهِ بِسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَى الْعَبْدِ
 مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ خُفِيَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَهُ وَتَرَكَهُ

تفسیر شریف لایحیی ج ۱ ص ۱۳۵

پیامبر گرامی اسلام در مقام وصیت به ولای متقیان علی علیه السلام فرمود ذکر خدا
 سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر نیست (ذکر خدا و یاد آوردن
 خدای تعالی) این است که هر زمان برای انسان پیش آمدی کرد که مواجبه با حرام شد

(وظایر مقتضی موجود بود و مانع مفقود)، از خدا بترسد و گناه را ترک کند.

«معانی ذکر خدا»

بدیهی است علماء بزرگوار و مخصوصاً علماء مجلسی برای ذکر خدا معانی عدیده ذکر فرموده اند
و برای سرذکری و ورودی آثار عجیبه ذکر کرده اند، حدیث ذکر شده منافات با
آنها ندارد زیرا یکی از معانی ذکر همان است که در حدیث ذکر شده، حقیقت ذکر حقیقی
که انسان ابرصد کمال می رساند همان یادآوری خداست در مقام ترک گناه و در
مقام مشقت و سختی عبادت تا امر بر او سهل شود.

زنا فرستو این بر سینه غلام ز بر عضوی زنا می گیر و انجام
 زنا چشم دیدن زبان بر زنا دست مالیدن اندام

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَصَبُ حَظًّا مِنَ الزَّوْنِ
 فِرْيَاءِ الْعَيْنَيْنِ، النَّظَرُ وَزِنْيَاءِ الْفَمِ الْقُبْلَةُ وَزِنْيَاءُ الْيَدَيْنِ اللَّسُّ

حدود الشریعتی محرماتهما ج ۲ ص ۱۶۲

ترجمه: فرمود حضرت باقر علیه السلام هیچ انسانی نیست که بهره‌ای از زنا نداشته
 باشد؛ پس زنا چشم نگاه کردن (بنا محرم است) و زنا دهان بویدن است؛
 زنا دستها مالیدن (به بدنهای نامحرمان).

چاوه عشر یک عشر زنموان
 نه دیگر بود از هب نسوان
 به گاه ز ایمان چایش تاست
 تبه کلا، خورد گر کول شیطان

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَيَاءُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ
 فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدٌ فِي الرِّجَالِ: فَإِذَا حَاضَتْ الْجَارِيَةُ ذَهَبَ جُزْءٌ
 مِنْ حَيَائِهَا، فَإِذَا تَزَوَّجَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ، فَإِذَا اقْتَرَعَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ،
 فَإِذَا وُلِدَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَبَقِيَ لَهَا خَمْسَةٌ أَجْزَاءٍ، فَإِنْ فَجِرَتْ
 ذَهَبَ حَيَائُهَا كُلُّهُ وَإِنْ عَفَّتْ بَقِيَ لَهَا خَمْسَةٌ أَجْزَاءٍ.

خصال شیخ صدوق باب العشرة

جلوه خورشید ص ۳۰-۳۱

حضرت صادق علیه السلام می فرماید چاوه قسمت است، نه قسمت بهره زنها و یک قسمت

بهره مردمان، پس سرزمان زن قاعده شد، یک قسمت آن می‌رود و سرزمان ازدواج کرد
قسمت دیگری رود و سرزمان شوهر با او هم بستر شد یک قسمت دیگری رود، سرزمان
بچه‌ای اراد بوجد آمد یک قسمت دیگری رود پنج قسمت دیگر باقی است پس اگر اهدای
ناکرده، بعل منافی عفت تن در داد همه حیا او می‌رود و اگر عفت ورزید پنج قسمت حیا او
باقی است (تا آخر عمر)

مُسُوغًا فَلَ كَرَامَاتٍ شُحْبُطٌ بِسَاعِصِيَانٍ كَبْرُ اِفْعَالَتِ كَنْزُ حَبْرُ
 اَثْرَ لَارِبٍ مَعِ خَيْرِ دَرِ اِفْعَالٍ زَمَا آرُ تَبَهْ عَمْرِي رِبَا حَبْرُ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ كَاتِبُ الْحَسَنَاتِ عَلَى
 يَمِينِ الرَّجُلِ وَكَاتِبُ السَّيِّئَاتِ عَلَى شِمَالِهِ وَصَاحِبُ الْيَمِينِ أَمِيرٌ
 عَلَى صَاحِبِ الشِّمَالِ فَإِذَا عَمِلَ حَسَنَةً كَتَبَهَا مَلِكُ الْيَمِينِ عَشْرًا وَإِذَا
 عَمِلَ سَيِّئَةً قَالَ صَاحِبُ الْيَمِينِ لِصَاحِبِ الشِّمَالِ دَعُهُ سَبْعَ سَاعَاتٍ
 لَعَلَّهُ يُسَبِّحُ أَوْ يَسْتَغْفِرُ

تفسیر صافی ذیل آیه شریفه ۱۸ سوره ۵۰

فرمود رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله (در باره دو ملک نویسنده) نویسنده حسنات
 سمت است انسان و نویسنده سیات و بدت چپ او قرار دارد (دو ملک) بدت

راست فرماندہت بر (ملک) سمت چپ پس سر زمان انسان عمل خیری انجام
داوہمی نوید ملک سمت راست دو مقابل (آنچه انجام دادہ) و سر زمان عمل فحشی
انجام داو ملک سمت راست ہی گوید ملک سمت چپ (در نوشتن تامل کن)
اورا والد ارشاید (بذکر خدا) تسبیح مشغول شود یا استغفار کند

شمیم جانفرا از لطف دادا و زدو گاهی چو گل از سوی گلزار
 یا از این نسیم رحمت حق ترا تا بست فرصت بهره بردار

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :
 «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ، إِلَّا
 فَعَرَّضُوا لَهَا...»

بخار الا نوارج ۷۷ ص ۱۶۸

معنای حدیث با معنی بالا گنجانده شده است. نقل میکنند مرحوم آیت الله العظمی سیدنا ابرو صدیقی
 رضوان الله تعالی علیه در محضر خویش در ضمن نصیحت طلبان میفرمودند که وقت را غنیمت بشمارید چرا که زمان
 میگذرد و فرصتها تمام میشود. گویا از عالم غیب قلب نورانی آن عالم ربانی الهام شده بود که
 دیگر در آینده از این فرصتها و روزهای پر برکت و نورانی بهره ای نخواهید داشت. بهیات آن
 باقی الزمان باشد.

با گفتار کز آن مستخیزد و ز آن مستهیبی خونهای ز
سخن با و بکن از مرد فاق بر آنش گریه با تو برستیزد

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحْسِرُ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَا نَدَامَا
فَيُدْفَعُ إِلَيْهِ شِبْهُ الْمَجْمَةِ أَوْ فَوْقَ ذَلِكَ فَيُقَالُ لَهُ هَذَا
سَهْمُكَ مِنْ دَمِ فُلَانٍ فَيَقُولُ يَا رَبِّ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنَّكَ قَضَيْتَنِي
وَمَا مَنَعَكَ دَمًا فَيَقُولُ بَلَى سَمِعْتَ مِنْ فُلَانٍ رِوَايَةَ كَذَا
كَذَا فَرَوَيْتَهَا عَلَيْهِ فَقِيلَتْ حَتَّى صَارَتْ إِلَى فُلَانٍ الْجَبَّارِ
فَقَتَلَهُ عَلَيْهَا وَهَذَا سَهْمُكَ مِنْ دَمِهِ

بخارج ۷ ص ۲۰۲

حضرت باقر اسلم علیه السلام می فرماید: شخصی را به صحرای محشر می آورند که در دنیا

ابد اخونی ز ریخت است پس شیشه ای شیشه های حجامت گران با قدری بزرگتر
 باو میدهند و مگویند این است سهمیه تو در خون (بناحق ریخته شده) فلان شخص پس عرض
 می کند خدایا خودت آگاہی که مرا قبض روح کردی و متعرض خون یزی شدم.
 خطاب می شود صحیح است اما مطلبی را از شخصی شنیدی پس علیه آن شخص مظلوم
 تشکر کردی سرانجام آن سخن بگوش فلان جبار و ستمگر رسید پس بر اثر آن مطلب
 اورا کشت، و این است سهمیه تو از خون آن شخص. بناءً علی هذا شخص مؤمن باید
 خیلی زیرک و فهمیده باشد که دین خود را بخاطر دیگران نفروشد؛ و برای خوش آمد
 افراد خود را جهنمی نکند. مواظب کلام خود باشد، حرف بیهوده ای نگوید و خود را و دیگران
 را بجهنم اندازد. یا علی مدد

زهد طعمه مادام مرد و نامرد
 پیایی در آید از پی درد
 نیستی غیر سکر و شوارع
 گهی شطرنج باید دید و گزید

قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا جَلَّ رَأْسُ الْحُسَيْنِ إِلَى الشَّامِ
 أَحْرَزْتُ لِعَنَةِ اللَّهِ فَوْضِعَ وَنَصَبَ عَلَيْهِ مَائِدَةً فَأَقْبَلَ هُوَ
 أَصْحَابُهُ يَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ الْقُقَاعَ فَلَمَّا فَرَغُوا أَحْرَبَ الرَّسَّ فَوْضِعَ
 فِي طُطٍ حَتَّى سَرِهَ وَبَطَّ عَلَيْهِ رُقْعَةُ الشُّطْرَنْجِ وَجَلَسَ يُرِيدُ
 لِعَنَةَ اللَّهِ يَلْعَبُ بِالشُّطْرَنْجِ وَيَذْكُرُ الْحُسَيْنَ وَأَبَاهُ وَحَدَّهُ صَلَوَاتُ
 اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَيَسْتَهْرِئُ بِذِكْرِهِمْ فَتَى فَمَرَّ صَاحِبُهُ بِشَاوِلِ الْقُقَاعِ
 فَشَرِبَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ صَبَّ فُضِّلَتْهُ مِمَّا يَلِي الطُّطِ مِنْ الْأَرْضِ
 فَمَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلْيَتَوَرَّعْ عَنِ شُرْبِ الْقُقَاعِ وَاللَّعْبِ

بِالشُّطْرِيحِ وَمَنْ نَظَرَ إِلَى الْفُقَاعِ أَوْ إِلَى الشُّطْرِيحِ فَلْيَذْكُرِ
 الْحُسَيْنَ وَلْيَلْعَنُ زَيْدَ وَالزَّيَادَ يَحْرَأُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ
 ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ كَعَدَدِ النُّجُومِ .

ص ۱۷۶ ج ۴۵ بحار الانوار

ترجمہ از منہی الآمال بعین عبارت :

از حضرت رضا علیہ السلام روایت شدہ کہ چون سر شہر حضرت امام حسینؑ را مجلس
 زید آورند مجلس شراب آراست و باند میان خود شراب زہر مار میکرد و با ایشان شطرنج
 بازی میکرد و شراب بیاران خود میداد و می گفت بیاشامید کہ شراب مبارکی است
 کہ سرد شمن ماتر دماغد اشتہ است و لذت و خرم گردیدہ ایم و امانت بہ حضرت امام
 حسینؑ و پدر و جد بزرگوار او علیہ السلام میکرد و ہر مرتبہ کہ در قمار بر حریف خود غالب میشد
 بہ پیالہ شراب زہر مار میکرد و جرعه شوش را در پہلوی شستی کہ سر آن سرور را در آن گذاشتہ

بودند میرخت پس سرکه از شیعیان است از شراب حذر و ن باز می کردن با شطرنج اجتناب
نماید و سرکه در وقت نظر کردن به شراب با شطرنج همدوات در دستد بر حضرت امام حسین
عید السلام لعنت کند زید و آل زید را هتعالی یا مرز و گنایان او را سرخند بعد و سارگان
باشد.

برای کسب حکمت بس روید
دویدند و از آن خسیری ندید
برودند و اهل البیت گمانا
طینند و علمین در حکمند

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لِسَلْمَةَ ابْنِ كَهَيْلٍ وَحَكِيمِ ابْنِ عَتِيْبَةَ شَرْقًا وَغَرْبًا لَنْ تَجِدَا
عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

بحار الانوار ج ۲ ص ۹۲

حضرت باقر العلوم علیه السلام فرمودند و نظر راوی بناهای سلمه ابن کهیل و حکیم ابن عتیه

شرق و غرب عالم را بگردید بعلم صحیحی دست نخواهید یافت مگر آنچه از نزد ما اهل بیت (از معارف

و علوم) خارج میشود.

فقیهانتد اسپندان سولان
 اگر دنیا نگیردشان کریبان
 ولی چون پیرو حکام شتند
 بترسد و بر سر نیزد از ایشان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلْفُهَا أُمَّتَاءُ الرَّسُولِ
 مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا قَبْلَ يَأْتِي رَسُولَ اللَّهِ وَمَا دَخَلُوا فِي الدُّنْيَا
 قَبْلَ اتِّبَاعِ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُواهُمْ عَلَى دِينِكُمْ

بخار الانوار ج ۲ صفحه ۱۱۰ حدیث ۱۵

یعنی فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله: فقها (در بران دینی) امین های پیرانند تا وقتی
 داخل دنیا نشده اند. عرض شد یا رسول الله چگونه علماء داخل دنیا می شوند؟ فرمود پیروی کردن
 آنها از فرمانروایان، پس هر زمان پیروی سلطان نمودند از ایشان خدرا کنید برای خاطر

دین تان .

زمان انجس کن چارمت عبادت نجشی و نجشی معیشت
 زهر و دین احیای رسوم چهارم بهره برداری ز لذت

قَالَ مُوسَى ابْنُ جَعْفَرٍ، اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ :
 سَاعَةٌ لِمَنَاجَاتِ اللَّهِ وَسَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَسَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْأَخْوَانِ
 وَالنُّقَاتِ الَّذِينَ يُعَرِّفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَيَخْلُصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَسَاعَةٌ
 تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَهَذِهِ السَّاعَةُ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ
 سَاعَاتٍ لِأَخْذِ ثَوَا أُنْفُسِكُمْ بِفَقْرٍ وَلَا يَطُولُ عُمُرٌ، فَإِنَّهُ مَنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ
 بِالْفَقْرِ يَخْلُ. وَمَنْ حَدَّثَهَا بِطَوْلِ الْعُمْرِ يَخْرُصُ. اجْعَلُوا لِأُنْفُسِكُمْ حِطًّا
 مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَمَا لَا يَشْتُمُ الْمَرْءَ وَمَا
 لَا سِرِّ فِيهِ. وَاسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ، فَإِنَّهُ رُوِيَ

لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ أَوْ تَرَكَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ .

تحف العقول عن الرسول ص ص ۴۰۹

فرمود موسی بن جعفر سلام الله علیه سعی کنید که اوقات خود را تقسیم کنید بر چهار بخش، یک قسمت برای عبادت و مناجاة با خدا (مانند نماز خواندن، قرآن خواندن، دعا، نقل حدیث، روضه خوانی)، و یک قسمت برای اختصاص دادن با مرز زندگی (کسب و کار، فلاحت، تجارت، صنعت و غیره) و یک قسمت برای دیدار برادران دینی و افراد مورد طمینان تا در تنویر یکدیگر از طرف سازید (برای خدا) و یک قسمت برای استفاده از حلال (شامل حال خوردن، آشامیدن، خوابیدن، استراحت و سایر مراسم شرعی) و همین یک قسمت است که بانی و گرفتن از غذای حلال، استراحت و خواب توانایی پیدای کنید تا آن قسمت دیگر را انجام وظیفه نمائید.

شناسایی مکن حق ابروان که حق اندر مثل باشد چو منیران
 ولی چون حق مستحکم است معلوم شناسایی ایش باشد آن

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَعْرِفِ الْحَقَّ بِالرِّجَالِ وَلَكِنْ
 اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفَ أَهْلَهُ

بیان المعارف فخر المحققین شیرازی ص ۱

فرمود علی مرتضیٰ سلام الله علیه حق را با افراد شناسایی مکن بلکه حق را با شناسن اهل
 آن شناخته می شوند. یعنی اگر انسانی از طریق حق خارج شد مگر که باشد هر چند در اعلیٰ درج
 حد شهرت و مقام از حق اعراض مکن بلکه آن فرد را که از حق فاسد گرفته طرد کن، زیرا اگر
 انسانی از طریق حق خارج شد، حق بقوه خود باقی است و انحراف او ربطی به حق ندارد. آیا
 نشیده ای وقتی زبیر که در تمام غزوات با رسول خدا اکو و علی مرتضیٰ بود منحرف شد،

و در عرض جنگ بصره در چند مخالف قرار گرفت، یک عده کوتاه نظر گفتند و السلاماه زیر
 منحرف شد؛ شاه مردان حضرت مرتضیٰ همین مضمون استخوان کرد که حق میزانی است
 برای تخصیص افراد، نه افراد میزبان برای تخصیص حق. افراد فراوانی را سراغ داریم و
 تاریخ حالات آنها را ضبط کرده اول در دایره حق بودند بعد خارج شدند یکی از آنها
 زیر است که گفته شد؛ دیگری حان ابن ثابت شاعر پیامبر گرامی اسلام که در عید خرم
 اول مداح علی و خاندان عصمت بود، بعد منحرف شد. بطور کلی بیشتر اصحاب تعقیب که بر
 علیه شاه ولایت مرتضیٰ علی علم مخالفت برافراشتند اول بطا بر طرفدار حق بودند بعداً
 منحرف گشتند.

مچگفت بر ابواب جنت نقش نقش توحید و نبوت
 دیدم در شب پر نور معراج قرین نقش نبوت با ولایت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ
 أُحِرَّ بَعْضُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ عَلَيَّ فَرَأَيْتُهُمَا جَمِيعًا رَأَيْتُ الْجَنَّةَ وَالْأَلْوَانَ
 نَعِيمِهَا وَرَأَيْتُ النَّارَ وَالْأَلْوَانَ عَذَابِهَا: وَعَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ
 الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةَ إِلَّا إِلَهَ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ

بحار الانوار ج ۲۷ صفحه ۱۱

فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله: شبی که مرا به آسمان بردند (شب معراج)،
 بهشت و دوزخ را بر من عرضه داشتند پس هر دو مکان را دیدم بهشت و اقامت نعمت
 آن و دوزخ و انواع عذابهای آنرا مشاهده کردم و بر سر درازدهانی بهشتگان بهشت

(نفس بود) : لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رُسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَوَلِيُّ اللَّهِ .

شب طوفان در یازدهم
 بنام ابریه ماه و پنجم
 خدا باشد کف دانه و
 اگر صدنا خدا، ره را کذکم

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّهُ خَرَجَ مَسْرُورًا فَرِحًا وَهُوَ يَضْحَكُ وَيَقُولُ:
 «لَنْ يَغْلِبَ عَسْرِيْنَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»

تفسیر صافی ذیل آیه شریفه

و جارتباط حدیث با رباعی بالا این است که کشتی هر زمان با خطرات عظیم مصادف
 شود، ناخدا، فطرتاً می داند که خدایی هست که خطرات را کشتی دفع کند و عسرا و را به یسر تبدیل
 سازد. کشتی عظیم ولایت و سفینه نوح امامت حضرت مهدی (عج) با غنایات خداوند
 تعالی از اقیانوس عظیم و شرف و پرخطر آخر الزمان انشاء الله بزودی به سر منزل سلا
 و ساحل نجات می رساند.

نسیم تازه ای از گلشن آید نسیم روح بخش سوسن آید
ظهور علموا گردیده نزدیک بلاشک مرده را جان بر تن آید

عَنْ الْبَاقِرِ، قَالَ يُحْيِيهَا اللَّهُ تَعَالَى بِالْقَامِ بَعْدَ مَوْتِهَا يَعْنِي بِمَوْتِهَا
كَفَرُ أَهْلِهَا وَالْكَافِرِيَّتِ .

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ
تَعْقِلُونَ

تفسیر صفا - سوره مبارکه حدید آیه ۱۶

ترجمه: بدانید که خداوند زمین بعد از مردن زنده می کند. تحقیق ما بیان می کنیم برای
شما آیات و نشانه های خود را باشد تا در باره آن بیندیشید.

بیا نشو حدیث عام بلور که حیریل امین کردیده مامو
 بیارو بهر احمد جامی از سبک کز او خیر و سر اسرایه نو

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كُنَّا جُلُوسًا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 إِذْ هَبَطَ عَلَيْهِ الْأَمِينُ جَبْرِئِيلُ وَمَعَهُ جَامٌ مِنَ الْبُلُورِ الْأَحْمَرِ مَمْلُوءًا
 مِسْكَوً وَعَنْبَرًا وَكَانَ إِلَى جَنْبِ رَسُولِ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَوَلَدَاهُ
 أَحْسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ التَّحِيَّةُ الْأَكْرَامُ؛ فَقَالَ لَهُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ
 اللَّهُ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيُحْيِيكَ بِهَذِهِ التَّحِيَّةِ وَيَأْمُرُكَ أَنْ تَحْتَجَّ
 عَلِيًّا وَوَلَدِيهِ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَلَمَّا صَارَتْ فِي كَفِّ رَسُولِ اللَّهِ
 هَلَّتْ ثَلَاثًا وَكَبُرَتْ ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَتْ بِلِسَانِ ذَرِبِ طَلِقٍ (يَعْنِي
 الْجَامُ) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طه ما اترلنا عليك القرآن لشيء

فَاسْتَمَّهَا النَّبِيُّ وَحَيَّ بِهَا عَلِيًّا فَلَمَّا صَارَتْ فِي كَفِّ عَلِيٍّ قَالَتْ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ فَاسْتَمَّهَا
 عَلِيٌّ وَحَيَّ بِهَا الْحَسَنَ فَلَمَّا صَارَتْ فِي كَفِّ الْحَسَنِ قَالَتْ بِسْمِ اللَّهِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مَخْلِفُونَ
 فَاسْتَمَّهَا الْحَسَنُ وَحَيَّ بِهَا الْحُسَيْنَ فَلَمَّا صَارَتْ فِي كَفِّ الْحُسَيْنِ
 عَلَيْهِ السَّلَامِ قَالَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْرِضْ حَنَّةً زِدْ لَهُ فِيهَا حَنًّا
 إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ثُمَّ رَدَّتْ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
 الرَّحِيمِ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

سجرات الانوار ج ٢٧ ص ١

١- ط اول سورة ٢- مائة ٥٥ ٣- سورة النبا ٤- ثوري ٢٣ ٥- نور ٢٥

ابن عباس گوید در محضر رسول خدا ^{نشسته} بودیم ناگاه حیرانل با جامی پر از مشک و عنبر
 وارد شد و در پهلوی پیغمبر امیر المؤمنین و دو پسر بزرگوارش حسن و حسین جلوس داشتند؛
 حیرانل سلام عرض کرد و سلام پروردگار را با جام بپور که تحت حقیقتی بود تقدیم حضرت کرد
 و عرض کرد یا رسول الله حقیقتی فرمان داده است که این بدیه را به حضرت علی و فرزندش
 حسن و حسین ابدار فرمائید. ابن عباس گوید وقتی جام بدست رسول خدا رسید مرتبه گفت
 لا اله الا الله و مرتبه اشده اکبر و پس بالبانی فصیح و بلیغ گفت بسم الله الرحمن الرحیم ط ما ازلنا
 علیک القرآن لتتقی، پس سایر سبک و عنبر را اقسام کرد و بدست علی داد. جام در دست
 علی گفت بسم الله الرحمن الرحیم و آیه بالا را تلاوت کرد (انما اولئکم الله) علی آنرا بوید و تسبیح
 حسن کرد، در دست حسن بعد از بسم الله گفت عم یتاملون و حسن بوید و رو کرد به حسین که
 در دست حضرت نیز بسجده گفت و پس آیه قل لا اسئلكم راتلاوت منو پس جام بدست
 رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رسید در دست حضرت آیه نور را تلاوت کرد الله نور

السموات والارض .

برکنس و نماید این روایت سؤال قبر و معراج و شفاعت
 ندارد بهره ای از دین ایمان ز قول صادق آن شاه ولایت

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :
 مَنْ أَنْكَرَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءٍ فَلَيْسَ مِنْ شِعْبِنَا . الْمِعْرَاجَ وَ
 الْمَسْأَلَةَ فِي الْقَبْرِ وَالشَّفَاعَةَ .

بحار الانوار، ج ۸ ص ۳۷

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس سه موضوع را نپذیرد از شیعیان ما نیست
 اول: معراج پیامبر، دوم: سؤال در قبر، سوم: شفاعت.